

## تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام از منظر فقه امامیه

□ محمدعلی مبلغ \*

### چکیده

امروزه تجسس در امور دیگران، همچنان که به حکم اولی دارای حرمت است، از لوازم امور امنیتی جامعه و استمرار حکومت اسلامی نیز به حساب می‌آید. بنابراین، ضرورت تبیین مرز بین حرمت و قلمرو جواز تجسس حکومت اسلامی در نحوه عملکرد کارگزاران نظام از منظر فقه امامیه برای جامعه، حاکمان و کارمندان حکومت اسلامی پوشیده نخواهد بود.

این پژوهش به منظور به دست آوردن ملاک حرمت و قلمرو جواز تجسس حکومت اسلامی در عملکرد کارگزاران، از نگاه فقه مذکور تحقق یافته و با روش توصیفی تحلیل و استنباطی بر اساس ادله احکام (نقلی و عقلی) در فقه، با یافته‌های چون ضرورت داشتن تجسس فی الجمله در حکومت اسلامی، به این نتیجه رسیده است: از نگاه این فقه، تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام اسلامی بامحدود بودن به مسایل مرتبط به صلاحیت و شایستگی فرد برای منصبی که دارد، آن هم با روش منعارف، جواز و گاهی هم وجوب را در پی دارد. کلیدواژه‌ها: تجسس، حکومت اسلامی، فقه امامیه، کارگزاران.

---

\* فارغ التحصیل سطح ۵ مدرسه عالی فقه و اصول-جامعه المصطفی ﷺ العالمیه.

## طرح مسأله

حکم اولی تجسس در حریم خصوصی دیگران به مقتضای عموماً نقلی چون «ولاتجسسوا» و دلالت عقلی حرمت است؛ از سوی دیگر، آگاهی حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران، به منظور ایجاد نظم، امنیت و استمرار حکومت در جامعه اسلامی که از ضروریات حکومت داری است، چه بسا منوط به تجسس می‌باشد. گرچه کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی درباره تجسس با عناوین گوناگون به زیور طبع آراسته شده است چون مقاله واکاوی نظارت حاکمیت در مسأله کارگزاران و حریم خصوصی، عباس کعبی و حسین زروندی رحمانی، مجله حکومت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۴، زمستان ۹۷، پیاپی ۹۰، ولی هر کدام آنها برای هدف خاصی تحقق یافته و در موضوع تحقیق ما به صورت اجمال و کلی اشاره شده است و چون تاکنون در فقه امامیه تحقیق اجتهادی و وافی مستقل بر موضوع این پژوهش صورت نگرفته است، ممکن است در این راستا آسیب‌هایی چون آزادی مطلق و استبداد برای حکومت به وجود بیاید که کرامت شخصیت‌های حقیقی و حقوقی دیگران را نادیده گرفته و خود را مجاز در هر نوع تجسس در امور دیگران بدانند.

بدان جهت که ما، برای بررسی این موضوع، فقه امامیه را برگزیدیم، در این جهت سؤالاتی پدیدار می‌گردد از جمله:

تجسس حکومت اسلامی از نحوه عملکرد کارگزاران نظام از دیدگاه فقه امامیه چگونه است؟

قلمرو تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام از منظر فقه امامیه در چه حد است؟

این پژوهش با عنوان «تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام از منظر فقه امامیه» عهده‌دار پاسخ سؤالات مذکور بوده و قلمرو و ادله جواز تجسس حکومت اسلامی را از دیدگاه فقه امامیه در نحوه عملکرد کارگزاران تبیین می‌سازد.

در ضرورت طرح این موضوع همین بس که با عنایت به نقش تجسس در حکومت اسلامی از یک سو و حرمت تجسس در اسرار دیگران در فقه اسلامی از سوی دیگر،

ضرورت طرح و بررسی این بحث برای جامعه، حاکمان و کارگزاران حکومت اسلامی پوشیده نخواهد بود.

## مفاهیم

قبل از ورود به مطالب اصلی، واژه‌های مورد بحث از لحاظ لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف) مفهوم شناسی تجسس

#### ۱-۱. معنا لغوی تجسس

اهل لغت برای واژه تجسس از ماده «ج-س-س» تعابیر گوناگونی را به کار برده‌اند که برخی از آنها را از نظر می‌گذرانیم:

ابن منظور، معانی مختلفی را ذکر کرده است از جمله:

- جس: لمس نمودن چیزی بآدمی.

- ماده «جس» برای جست و جوی خبر است و تجسس نیز به همین معناست و جسّ خبر و تجسس خبر، یعنی بحث و فحش از خب «الجسّ: المس بالید»؛ «الجس: جس الخبر و منه التجسس و جس الخبر و تجسس: بحث عنه و فحص». (ابن منظور: ۲/۲۸۳)

جوهری می‌گوید: از اخبار تفحص کردم و جاسوس از همین واژه گرفته شده است. از خلیل نقل شده است: «جواس» به معنای حواس پنجگانه است «جسّست الاخبار و تجسسها ای تفحصت عنها و منه الجاسوس. و حکی عن الخلیل: الجواس: حواس» (الجوهری: ۳/۹۱۳) فراهیدی نیز به همین معانی اشاره دارد: «جسس: جسسته بیدی ای لمسته لانظر مجسه ای ممسه. والجس جس الخبر. و منه التجسس للجاسوس». (فراهیدی: ۶/۵)

آنچه از اقوال و انظار لغوی بدست می‌آید این است که جسّ یجسّ جساً، از باب فعل یفعل به معنای حس کردن بآدمی است. باب افتعال آن اجتسس به معنای دست سودن و باب تفعل آن تجسس به معنای خبر جستن که بیشتر در موارد شر و بدی

استعمال می‌شود بنابراین، «جسّ» در اصل به معنای لمس کردن رگ بادست و شناسای نبض است، به جهت تشخیص صحت بدن از سقم آن (الاصفهانیه، / ۹۳).  
«تجسس» عبارت از تفتیش و بازرسی از بواطن و پنهانی‌های امور است و بیشتر در موارد شر استعمال می‌گردد؛ پس جاسوس، صاحب شرّ پنهان و سری است و جاسوسی به معنای خبر برای بدی است و جمع آن جواسیس است و تجسس، بازرسی و تفتیش برای به دست آوردن و طلب اخبار برای دیگری است. (محقق: ۵، / ۱۶۶ و ۱۶۷)  
در نتیجه می‌توان گفت: تجسس و جاسوسی از منظر اهل لغت عبارت است از: کنجکاوی کردن، بررسی کردن، تفحص کردن، خبرجستن از امور پنهانی مردم.

#### ۱-۲. معنای اصطلاحی تجسس در فقه

بر اساس آنچه در کتب فقهی امامیه در این زمینه تفحص صورت گرفت تعریف خاصی برای واژه «تجسس» و «جاسوسی» جدای از معنای لغوی آن، در لسان فقهای عظام یافت نگردید، چنانچه مرحوم مشکینی در مصطلحات الفقهیه به این امر اشاره کرده، می‌گوید: «... در مورد مسأله تجسس در شریعت اسلامی تعریفی و معنای شرعی و یا مشرعی خاصی وجود ندارد». (المشکینی / ۱۲۸)

آنچه در لسان برخی فقها آمده است به همان معنای لغوی به کار رفته است؛ چنانچه در تعریف شهید ثانی رحمته الله آمده است: تجسس عبارت است از این که: بندگان خدا را در زیر ستاریت خداوند نگذاری و در صدد اسرار آن باشی و به عبارت دیگر: در صدد فاش کردن اسرار بندگان خدا باشی. «و معنی التجسس ان لا تترك عباد الله تحت سرّ الله». (عاملی شهید ثانی)، / ۲۹۴)

یاد در تعریف فیض کاشانی می‌خوانیم: یکی از ثمرات سوء ظن تجسس است و آن عبارت است از پی جویی امورات مخفی و پنهان مؤمنین. «و من ثمرات سوء الظن التجسس و هو الفحص عن عورات المؤمنین. (کاشانی: / ۳۲۵:.)  
از مجموع تعاریف لغوی و اصطلاحی «تجسس» به دست می‌آید که معنای اصطلاحی

آن خیلی دور از معنای لغوی آن نیست که در اصطلاح هم به معنی کاوش و جستجوی خبرهاست و انگیزه این کاوش (چه خیر و چه شر) در صدق مفهوم تجسس دخالتی ندارد.

## ب) مفهوم شناسی حکومت اسلامی

### ۲-۱. معنای لغوی «حکومت»

«حکومت» از ریشه «حکم» و جمع آن «احکام» است. «حکم» در لغت به معانی مختلفی آمده است:

ازهری در تهذیب اللغة در معنای «حکم» و «حکومت» می نویسد:

حکم و حکومت در اصل به معنای منع کردن و جلوگیری شخص از ظلم و ستم است و از حکمة اللجام اخذ شده که به قسمتی از افساراسب و مانند آن گفته می شود که بردھانش احاطه دارد و سوارکار با آن، حیوان را احاطه دارد. حکمت و «احکمت» و «حکمت» به معنی منعت و رددت، و من هذا قیل للحاکم بین الناس حاکم: لانه يمنع من الظلم... قال الاصمعی: اصل الحكومة ردّ الرجل عن الظلم، ومنه سُمیت حکمة اللجام لانها ترد الدابة». (الازهری: ۶۹/۴).

ابن منظور در لسان العرب نیز نقل قول اصمعی را می کند که اصل حکومت به معنای جلوگیری شخص از ظلم و ستم است. (ابن مکرّم: ۱۴۲/۱۲).

فیومی در مصباح المنیر و جوهری در صحاح به معنای اتقان و استحکام گرفته است... «احکمت الشئی بالالف اتقنته فاستحکم» (القیومی المقری، ۱۴۵) «احکمت الشئی فاستحکم، ای صار محکماً». (الجوهری: ۱۹۰۲/۵).

از اقوال لغویین می توان چنین نتیجه گرفت که معنای لغوی «حکم» و «حکومت» عبارت است از اتقان، استحکام و نفوذ ناپذیری و بقیه معانی معنای حقیقی نبوده بلکه از لوازم آن به حساب می آید.

### ۲-۲. حکومت اسلامی در اصطلاح فقه امامیه

از دیدگاه فقه امامیه برای حکومت اسلامی تعاریف گوناگونی صورت گرفته است از جمله:

«حکومتی که تمام ارکان آن بر مبنای دین اسلام شکل گرفته باشد».

بر پایه این تعریف، حکومت اسلامی، حکومتی است که نه تنها همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام اسلام است، بلکه مجریان آن نیز یا مستقیم از طرف خداوند یا به اذن خاص یا عام معصوم علیه السلام منصوب شده اند؛ چون حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام و حکومت چون مالک اشتر در زمان حضور معصوم علیه السلام و (بر اساس نظریه بسیاری از فقها) حکومت ولی فقیه جامع شرایط در عصر غیبت. (مصباح یزدی: ۲۸۱).

بنابراین حکومت اسلامی حکومتی است که محتوای وجودی آن را اسلام، جهت و حرکت می‌دهد.

## ۲. تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام از منظر فقه امامیه

اولین هدف حکومت اسلامی خدمت به جامعه اسلامی و اجرای کامل احکام الهی به آن است و این هدف هنگامی تحقق می‌یابد که تمام کارگزاران و ماموران حکومتی و نهادهای عمومی، به وظایف اداری خود عمل نمایند.

چنان چه مقام معظم رهبری در خطاب به مسولین قوه قضایه فرموده است: موقفیتها و ناکامی‌های شما [قوه قضائیه] هر دو محکوم به احکام سنت‌های الهی است، و در کل کشور هم تأثیر می‌گذارد. (بیانات در دیدار رئیس و مسولان قوه قضایه ۷-۴-۱۴۰۱).

لذا اسلام برای تحقق این هدف نه تنها لازم دانسته است که ماموران دولتی از افراد صالح، امین، درستکار و باتقوا انتخاب شوند که مقام عظمای ولایت فرموده است:

در گزینش افراد ملاحظه کنید، کسانی باشند که این خصوصیات را رعایت کنند، هم جهات اسلامی هم جهات انقلابی، هم جهات ارزشی تا کار واقعاً چنان که باید و شاید پیش برود. به مدیران توصیه می‌کنم که به گزینش به چشم رقیب و مانع نگاه نکنند به چشم بازو، وسیله کار، چشم بیننده و گوش شنونده در پیدا کردن آدم‌های کارآمد نگاه کنند، مدیر باید وجود گزینش را یک فوز عظیم بداند. (سایت هسته گزینش، استانداری خراسان جنوبی، گزینش ازدیگاه مقام معظم رهبری، ۱۱-۱۱-۲۰۱۷).

به حکومت اسلامی دستور می‌دهد که به این انتخاب اکتفا نکرده افرادی را جهت نظارت و مراقبت بر آنان بگمارد، تا عملکرد آنان را از طریق تجسس و تفحص به اطلاع برسانند. در این راستا مطالبی را مورد تحقیق قرار خواهیم داد:

## الف) انظار فقهای امامیه

### ۱-۱. بیان امام خمینی رحمته الله علیه

امام خمینی رحمته الله علیه در دستور عمل هشت ماده ای خود، پس از ذکر مواردی که تجسس در آنها جایز نیست می‌گوید:

«آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است... و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود». (امام خمینی: ۱۴۱/۱۷).

امام خمینی رحمته الله علیه در این دستور تجسس از عملکرد ارگان‌های دولتی و عمومی را در کنار تجسس از توطئه‌های گروهک‌های ضد اسلام و نظام اسلامی قرار داده و آن را لازم دانسته است که فرموده: «تجسس در این گونه موارد با قاطعیت و شدت عمل شود».

### ۱-۲. بیان صاحب سند العروة الوثقی

مرحوم بحرانی رحمته الله علیه تدبیر و اداره امور جامعه اسلامی را وظیفه حاکم دانسته است که بدون تردید، تدبیر و اداره صحیح جامعه منوط به اشرافی توأم با تجسس از عملکرد مامورین و کارگزاران حکومتی است که بدون آن تدبیر و اداره کامل محقق نخواهد شد. «فان وظیفه الحاکم التدبیر و اداره الامور و وظیفه العامة هو اعانتة علی القيام بذلک» (بحرانی: ۱۰۰/۵)

## ب) ادله جواز تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام از دیدگاه فقه امامیه

در این راستا می‌توان به دلایل و براهین زیر تمسک جست:

## ۲-۱. آیات

آیاتی در این زمینه ذکر شده با این اعتقاد که به دلالت عام بر مدعا دلالت دارد از جمله:

### ۲-۱-۱. آیات ۶ و ۷ سوره علق

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ﴿٦﴾ أَلَمْ يَرَأْهُ اسْتَخْنَىٰ ﴿٧﴾»

### ۲-۱-۱-۱. انظار مفسرین

علامه طباطبائی در تفسیر این دو آیه فرموده است: این دو آیه ردع و رد رفتار است که انسان در مقابل نعمت‌های الهی از خود نشان می‌دهد، رفتاری که از خلال آیات قبل استفاده می‌شود، چون از آیات بر می‌آید خداوند متعال نعمت‌های بزرگی نظیر تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی را به انسان داده، پس بر انسان واجب است که شکر آن را بجای آورد ولی او بجای شکر کفران و طغیان می‌کند یعنی پازگلیم خود فراتر می‌نهد و این خبری است از آنچه در طبع بشر است نظیر این آیه (ان الانسان لظلوم کفار) که خبر می‌دهد از این که بشر طبعاً ظلوم و کفرانگراست. علت طغیان هم این است که او خود را بی نیاز از پروردگار خود می‌داند و نعمت‌های بی شمار او را کفران می‌کند و علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می‌پردازد و دل به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد اوست می‌بندد و در نتیجه از پروردگارش غافل شده و خود را محتاج اوستی بیند. در آخر خدا را فراموش نموده و سر به طغیان بر می‌دارد... «قوله تعالى (كلا ان الانسان ليطغى ان رءاه استغنى) ردع عما يستفاد من الآيات السابقة انه تعالى انعم على الانسان بعظام نعم مثل التعليم بالقلم و سائر ما علم و التعليم من طريق الوحي فعلى الانسان ان يشكره على ذلك لكنه يكفر بنعمته تعالى و يطغى و قوله (ان الانسان ليطغى) ان يتعدى طوره و هو اخبار بما فى طبع الانسان ذلك كقوله (ان الانسان لظلوم كفار). وقوله (ان رءاه استغنى) من الرأى دون الروية البصريه، و فاعل (رءاه) و مفعوله الانسان. و جمله (ان رءاه استغنى) فى مقام التعليل اى ليطغى لان يعتقد نفسه مستغنيا عن ربه المنعم عليه فيكفر



به، و ذلك ان يشتغل بنفسه و الاسباب الظاهرية التي يتوصل بها الى مقاصده فيغفل عن ربه من غير ان يرى حاجة منه اليه تبعثه الى ذكره و شكره على نعمه فينساء و يطغى». ۰  
الطباطبائي،: ۲۰ / ۳۲۵)  
در تفسیر آسان آمده است:

«(کلا) چنان که در مجمع البیان می‌گوید در اینجا به معنای (حقا) می‌باشد، یعنی قطعاً جنس و طبع انسان این است که طغیان می‌کند. از سیاق و اطلاق کلمه (لیطغی) استفاده می‌شود که انسان مرتکب هر نوع طغیان و سرکشی می‌شود، خواه نسبت به حقوق زیر دستان خود و خواه به حقوق مافوق خود حتی حقوق پروردگار و علت طغیان گری همان است که در آیه بعد می‌فرماید.

(ان رءاه استغنی) کلمه (رءاه) به معنای علم و روئیت قلبی و ضمیر آن به کلمه (انسان) برمی‌گردد و آیه سبب و علت طغیان را بیان می‌کند و می‌فرماید: انسان بدین سبب متجاوز و طغیانگر می‌شود که خویشتن را بی‌نیاز می‌داند و حال آنکه نیازمندترین موجود است». (خمینی،: ۱۸ / ۵۵)

## ۲-۱-۱-۲. تقریب استدلال

براساس تفاسیر مربوطه، مستفاد از این دو آیه این است که انسان براساس طبع (نه فطرت) خودش اگر از دیگران و جامعه به سبب قدرت یا ثروت به حسب ظاهر احساس بی‌نیازی کند، به سمت طغیان (تعدی از مرز عدل و محوریت عقل) رهسپار می‌گردد که مرز استغنا مساوی است با مرز طغیان.

بنابراین، برای جلوگیری از طغیان کارمندان و قدرت‌مندان حکومت مهم‌ترین راهکار، نظارت و اشراف حکومت و حاکم اسلامی بر عملکرد آنان با محوریت تجسس و تفحص است؛ زیرا هر کارمندی با علم براین که سرکشی و سوء استفاده از قدرت، تنبیه یا عزل از قدرت را در پی دارد هیچگاه سراغ طغیان نخواهد رفت.

## ۲-۱-۲. آیه ۱۰۴ آل عمران

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

آیاتی از جمله این آیه دال بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است که در این رابطه قبل از هر سخنی انظار مفسرین را پی می‌گیریم:

## ۲-۱-۲-۱. انظار فقها و مفسرین

قطب الدین راوندی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

خلافی بر این نیست که (بر اساس آیه مبارکه) امر به معروف و نهی از منکر دو واجب کفایی هستند. ولا خلاف ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر واجبان علی ما ذکرناه. \* راوندی کاشانی: ۱/ ۳۵۶)

مرحوم فاضل بعد از اشاره نمودن به تبعیضیه یا بیانیه بودن کلیمه (من) می‌فرماید: آیه دلالت دارد بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر که مقتضای امر همین است. «(والتکن امه) ای جماعه هی بعضکم، فمن التبعیض {وقیل انها بیانیه و المعنی کونوا امه}... و فی الایه دلالة علی وجوب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر كما هو مقتضى الامر». (الفاضل کاظمی، ۲: ...)

## ۲-۱-۲-۲. تقریب استدلال

در اصل واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر در میان فقها اختلافی وجود ندارد. (الحلی: ۴/ ۴۵۶؛ الطوسی، ۱۴۷/۱).

و مستند آن را برخی علاوه بر کتاب، سنت، اجماع، عقل را هم دانسته اند. (الفاضل کاظمی، ۲/ ۳۴۷؛ الطوسی، ۱۴۷/۱).

اما در این باب مباحث دیگری مورد نقد و نظر فقها واقع شده است از جمله:

### - عینی و کفایی بودن

اکثر فقها قایل به کفایی بودن آن است و جمع دیگری چون شیخ طوسی قایل به وجوب عینی بودن. (الطوسی: ۲۹۹).

مرحوم فاضل هردو قول را لفظی دانسته و می گوید:

والحق ان النزاع فی ذلک کاللفظی، فان القائلین بالوجوب العینی قالوا هو و ان کان واجبا علی الكل الا انه متى قام به البعض (قیاما یترتب علیه الاثر الذی هو الا نزجار عن فعل المنکر او فعل المعروف) فانه سقط عن الباقین کسائر فروض الکفایات، و هذا هو قول من اوجه کفایة (الفاضل کاظمی: ۲ / ۳۷۳).

حال، ماچه قایل به کفایی شویم و یا عینی، ثمره هردو قول امر به خوبی ها ونهی از بدی ها در جامعه است و برای کسی که دارای قدرت ما فوق است نسبت به زیر دستان چون حاکم اسلامی که غیر از او کسی دیگری را توان جلوگیری از فساد اداری نیست، اختیار قول عینی بودن وجوب نهی از منکر نسبت به او خالی از ترجیح نیست.

### - مراحل امر به معروف و نهی از منکر

این دو فریضه دارای مراتب سه گانه قلبی، زبانی و عملی (در عمل افراد را وادار به انجام خوبی ها نماید یا از بدی ها باز دارد) است. از این مراحل به «انکار قلبی»، «انکار زبانی» و «انکار با دست» تعبیر می شود. (المحقق الحلی: ۱/۳۴۳)

مرحله بعد از دو مرحله قبل قرار دارد ولی اگر در مواردی از اول بدانیم که نهی از منکر قلبی کارساز نیست باید سراغ نهی از منکر زبانی رفت و یا اگر بدانیم زبانی هم کارساز نیست باید از ابتدا وارد عمل شد و او را از فعلش بازداشت. (الخمنی: ۱/۴۷۸).

هرچند هر سه مرحله وظیفه احاد جامعه است اما در مرحله سوم نیاز به حکومت اسلامی است که صلاحیت قصاص، اجرای حدود و تعزیرات را در دست دارد؛ زیرا اگر همه احاد جامعه بدون اذن حاکم اسلامی به این مرحله عمل کنند موجب هرج و مرج شده و نظم و امنیت جامعه خدشه دار می گردد.

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به کارگزاران و نهادهای دولتی از این قبیل است

چون بدون تردید در مواردی امر به معروف و نهی از منکر عملی از سوی رعیت به مامورین و کارمندان نظام اسلامی یا از قدرت آنان خارج است و یا موجب هرج و مرج می‌گردد، لذا حکومت اسلامی موظف است که از باب امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از مفاسد اداری و اجتماعی و کم رنگ شدن زیبایی‌ها توسط کارگزاران (که مایه سقوط نظام اسلامی می‌گردد) به ماموران و کارمندان ورود پیدا کند و این امر ممکن نیست مگر از طریق زیر نظر گرفتن اعمال کارگزاران حکومت و تجسس از چگونگی عملکرد آنها.

بدینسان هرچند آیات مذکوره به دلالت مطابقی برمدعا دلالت نداشته اما به نحوی که در دو تقریب بیان کردیم خالی از شمول نیست.

## ۲-۲. روایات

در این زمینه روایات فراوانی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۲-۲-۱. سیره پیامبر اسلام ﷺ

ریان بن صلت می‌گوید:

كان رسول الله ﷺ إذا وجه جيشا فامهم اميرا، بعث معه من ثقاته من يتجسس له خبره؛ روش مستمر پیامبر خدا این بود که هرگاه لشکری را به جایی می‌فرستاد و امیر و فرماندهی بر آن می‌گمارد برخی از افراد مورد اعتماد خود را همراه آن فرمانده می‌فرستاد تا رفتار او را زیر نظر گرفته و به ایشان گزارش دهد. (حرالعاملی: ۶۰/۱۵).

از این روایت به دست می‌آید که سیره پیامبر اسلام در امور اداری و کارگزاران حکومت اسلامی این بوده است که افراد مورد اعتماد و غیراعتماد را همواره تحت نظارت، بازرسی و تجسس قرار می‌دادند.

## ۲-۲-۲. سیره، نامه ها و دستورات حکومتی حضرت علی علیه السلام

این تدبیر، سیره مستمر حضرت علی علیه السلام نیز قرار داشت که در دوران حکومتش از حالات ماموران خود با خبر بود و گروهی از افراد مورد اعتماد را برای رسیدگی به وضع حال آنان و تجسس از چگونگی عملکرد آنان در شهرهای مختلف گماشته بود تا تمام اخبار کوچک و بزرگ آنان را به اطلاع وی برسانند. در حکومت امام علی علیه السلام کنترل و نظارت چنان دقیق اجرا می شد که بهت آور است.

ابوالاسود دونلی از سوی حضرت منصوب به قضاوت گردید، اما پایان همان روز نخست از قضاوت عزل شد، او وقتی شب وارد مسجد شد خطاب به امام گفت: چرا امروز از قضاوت عزلم کردی، درحالی که نه خیانت کرده ام و نه مرتکب خیانت شده ام؟ امام علیه السلام فرمود: به من گزارش داده اند چون طرفین دعوا به محکمه می آیند تو بلندتر از ایشان سخن می گویی و درشتی در گفتار داری. (النوری: ۱۷/۳۵۹).

به مسئولین حکومتی نیز سفارش عمل به چنین کاری را می فرمود.

در نهج البلاغه نامه ها و دستورات بسیاری سوی حضرت برای استانداران و مسئولان حکومت اسلامی وجود دارد که بیانگر توجه و اهمیت دادن حضرت به این مهم است که به برخی از آنها اشاره می شود:

## ۲-۲-۱. نامه به مالک اشتر

ثُمَّ تَفَقَّدُوا أَعْمَالَهُمْ، وَابْعَثُوا الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكُمْ فِي السَّرِّ لِأَمْوَالِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَةِ؛ - (نهج البلاغه، نامه ۵۳). هرگاه افرادی را پست و سمت دادی، اعمال آنها را تحت نظر قرار بده؛ یعنی «منابع اطلاعاتی» راست گو و وفادار بر آنها بگمار. پس به درستی که بازرسانی پنهانی تو در امور آنها، انگیزه امانت داری و مدارا با مردم را در آنها ایجاد می کند.

در این نامه امام علیه السلام هم بر لزوم تأسیس سازمانی که مراقب و ناظر اعمال کارگزاران دولتی باشد، تأکید می کند و هم بر این که افراد منتخب برای این کار باید از افراد مورد اعتماد و وثق

باشند بگونه‌ای که به اخبار آنها بتوان اعتماد کرد.

### ۲-۲-۲. نامه به عثمان بن حنیف

أَمَّا بَعْدُ، يَا بَنَ حُنَيْفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِئَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبَةٍ فَاسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْحِفَانُ؛ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ، وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُوفٌ؛ أَيِ پسر حنیف، به من خبر رسیده که مردی از جوانان اهل بصره تو را به مهمانی خوانده و تو هم به آن مهمانی شتافته‌ای، با غذاهای رنگارنگ، و ظرفهایی پر از طعام که به سویت آورده می‌شده پذیرایی کرده‌اند؛ خیال نمی‌کردم مهمان شدن به سفره قومی را قبول کنی که محتاجشان را به جفا می‌رانند، و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند!

«عثمان بن حنیف» که از سوی حضرت علی علیه السلام به فرمانداری بصره منصوب بود، شبی یکی از توانگران بصره او را به مهمانی دعوت نمود و مجلس با شکوهی ترتیب داد. گزارش این مهمانی به حضرت علی علیه السلام می‌رسد، حضرت این نامه را به عنوان توبیخ به او می‌نویسد. از واژه «بلغنی» (به من گزارش شده است) استفاده می‌شود که در کنار عثمان از سوی امام علیه السلام گزارشگر و جاسوسی بوده است که خبر این اتفاق را به امام علیه السلام رسانده است.

### ۲-۲-۳. نامه به زیاد بن ابیه

«وَ قَدْ عَرَفْتُ أَنَّ مُعَاوِيَةَ كَتَبَ إِلَيْكَ يَسْتَزِلُّ لُبَّكَ وَ يَسْتَفِلُّ غَرْبَكَ...»؛ (همان، نامه ۴۴). دریافتن آن که معاویه به تو نامه‌ای نوشته است تا عقلت را زایل کند و عزمت را سست گرداند».

### ۲-۲-۴. نامه به عبدالله بن عباس

«وَ قَدْ بَلَغَنِي تَمَرُّكَ لِبَنِي تَمِيمٍ وَ غِلْظَتُكَ عَلَيْهِمْ»؛ (همان، نامه ۱۸). به من خبر رسیده است، با تمیمیان درشتی کرده‌ای و با آنان سخن سخت گفته‌ای».

در این نامه امام علیه السلام تعبیر «بلغنی»؛ به من خبر رسیده است»، «عرفت؛ فهمیده‌ام» را به کار برده

است در عین آن که محتوای برخی از این نامه ها به عیوب سیاسی پنهان مربوط بوده است. این گویای این حقیقت است که امام علیه السلام دارای جاسوسان و گزارشگران در ادارات و محل کار مسئولان بوده که اخبار تمام اتفاقات مربوط به آنان را به حضرت گزارش می دادند. چنانچه حضرت در برخی از نامه ها چون نامه ای به زیاد بن ابیه تصریح به وجود عین و جاسوس خود نموده و می فرماید:

«فرستاده و عین من خبر عجیبی برای من نقل کرده است». (همان، نامه ۲۰).

## ۲-۳. حکم عقل

در گذشته گفتیم: به اتفاق جمیع فقهای اسلام، حفظ اسلام هم از طریق عقل و هم شرع واجب و اختلال آن حرام است.

بدان جهت که عملکرد کارگزاران نظام و نهادهای عمومی، در نظم یا اختلال نظام فوق العاده موثر است، عقل حاکم است که برای جلوگیری از اختلال نظم و نظام و هدایت کارگزاران در مسیر صحیح و انجام وظایف، باید حکومت اسلامی بر رفتار صاحب منصبان و کارمندان اشراف کامل داشته باشد و چون اشراف تام بدون وجود عیون و تجسس از رفتار آنان میسر نیست، پس تفحص و تجسس حکومت اسلامی در این زمینه نیز ضروری و لازم است.

## ج) نتیجه گیری

دراین راستا توجه به نکاتی، ضرورت دارد:

### ۳-۱. جایگاه نظارت بر کارگزاران در حکومت اسلامی

نظارت و کنترل از عملکرد زیر مجموعه از دیر باز یکی از اصول مدیریتی بوده که عدم یا کم رنگ بودن آن سبب ایجاد مشکل در مدیریت می گردد.

«نظارت» به معنای مراقبت و تحت نظر داشتن، در علم مدیریت تحت عنوان «ارزیابی عملکرد کارکنان» مطرح است و هدف از آن فرایندی است که با آن کارکنان در زمانهای

معینی به طور رسمی مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد. (سعادت: ۲۱۴).  
«نظارت» و «کنترل» با نظام آفرینش هماهنگ است؛ زیرا خالق منان این اصل را در مجموعه آفرینش منظور کرده که درباره انسان می‌فرماید:  
«إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ». (طارق: ۴)

در حکومت‌های انبیای عظام چون حضرت سلیمان، این قانون از جایگاهی برخوردار بوده است که حتی بر پرندگان اعمال صورت می‌گرفته است:  
«وَتَقَفَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِي لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل: ۲۰).

در حکومت اسلامی به رهبری پیامبر اسلام ﷺ و امام علی عليه السلام (که در گذشته از آن سخن گفتیم) این نظارت و مراقبت، جایگاه ویژه‌ای داشته؛ چون در حکومت اسلامی اصل بر شایسته سالاری، عدالت‌گرایی، تقوا محوری و خدا محوری است و با هرگونه اختلال، بی‌نظمی، فساد، ناهنجاری، سوء استفاده از قدرت، تضییع حقوق مردم و بیت‌المال، اتلاف منابع، باندهبازی و رابطه‌بازی، تقدم روابط بر ضوابط، با شدت مخالف بوده و اجازه سوء استفاده از قدرت و خود سری را به احدی نمی‌دهد.

بدون تردید این اصل بر پایه مدیریت صحیح، نظارت و مراقبت از عملکرد نیروهای دولتی و ارگان‌های عمومی استوار است که با محوریت تجسس و تفحص از رفتار آنان قرار دارد؛ زیرا نظارت بدون تجسس و تفحص غیرممکن است.

بنابراین، اگر کارمندی، اعمال خود را در معرض نظارت و تجسس جدی حکومت ببیند و بداند، انحراف اداری او کیفر مهمی را در پی دارد به صورت اغلب احتیاط در کار را از دست نداده و به انحراف رو نمی‌آورد.

### ۳-۲. قلمرو تفحص و تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران

پس از آن که تجسس و نظارت را از عملکرد کارگزاران حکومت اسلامی، برپایه سلامت اداری و اجتماعی و دافع مفساد اداری و هرج و مرج اجتماعی ضروری دانستیم، این پرسش رخ می‌نماید که میزان قلمرو تجسس حکومت اسلامی از عملکرد کارکنان و



کارگزاران در چه حدی قرار دارد؟ در پاسخ می‌توان دو نظریه را مطرح و مورد تحقیق قرار داد:

### ۳-۲-۱. تجسس در حد ضرورت

از محققین معاصر در این زمینه می‌گویند:

تجسس جایز یا واجب در حد ضرورت است، یعنی به مقداری که در کار مورد نظر ما ضرورت وجود دارد به همان مقدار تجسس جایز خواهد بود و بیشتر از آن حد، یا در چیزهایی که در آن هدف دخالت ندارد تجسس حرام است (احمدی میانجی: ۱۵۵).

براساس این نظریه، بدان جهت که تجسس در امور افراد بالاصالة ممنوع است؛ لذا در موارد مجاز به حداقل باید اکتفا نمود و حداقل و کمترین حد همان موارد ضروری است. البته ضرورت بر پایه هدف مورد نظر معین می‌گردد که اگر در قاضی (از باب مثال) پاکدامنی، امانت داری را لازم دانستیم، باید در همین موارد به تجسس پرداخت در غیر این موارد حق تجسس نداریم.

### نقد نظریه تجسس در حد ضرورت

این نظریه گرچه از نظر مشخص کردن «شعاع تجسس» مورد قبول است که تجسس باید به شرایط خاص هر منصب محدود گردد. اما نقد آن این است که از شیوه تجسس ساکت است؛ زیرا در شیوه تجسس بهره گرفتن از هر روش غیر متعارفی چون کنترل مکالمات تلفنی، نصب دوربین مخفی، استفاده از دستگاه‌های دروغ سنجی و... را مجاز می‌شمارد و این شمول قابل تامل است.

### ۳-۲-۲. تجسس محدود

بر پایه این نظریه (سروش: ۱۴۵)

که نظریه مختار است، تجسس از عملکرد کارگزاران نظام اسلامی از دو زاویه محدود است.

یکی محدود به مسایل مرتبط به صلاحیت و شایستگی فرد برای منصبی که دارد که تجسس و تفحص فقط در زمینه همان شایستگی مجاز است. دیگری محدود از نظر شیوه‌های تجسس به روش متعارف که در موارد مجاز، نباید از روش‌های متعارف فراتر رفته و به روش‌های غیرمتعارف دست یافت. بدینسان تفاوت دونظریه در آن است که اولی دارای یک قید ودومی دو قید می‌باشد.

### ۳-۲-۳. برهان نظریه تجسس محدود

انسان دارای کرامتی است که از سوی خداوند متعال به او عنایت شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ...». (اسراء: ۷۰). خالق منان آن قدر انسان را محترم شمرد که فرمود:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)

«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹).

در خلقت آدم فرمود:

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴).

از این رو در گذشته گفتیم: اصل اولی در دما و اعراض احتیاط است؛ لذا هر جا در جواز ورود به حریم خصوصی افراد شک کردیم، بدان جهت که حریم خصوصی افراد عبارت است از حریم اعراض افراد، به اقتضای اصالة الاحتیاط باید بنارا بر ممنوعیت و عدم جواز گذاشت.

بنابراین، تجسس حکومت اسلامی در اوصافی که در شایستگی فرد نسبت به منصب او دخالت دارد، چون مصداق روشن ادله جواز است جایز و گاهی هم ضروری است. اما نسبت به اوصافی که مربوط به خصوصیات دیگر زندگی اوست بدان جهت که حداقل نسبت به جواز مشکوک است، به حکم اصالة الاحتیاط برپایه حفظ کرامت انسان، حکم ممنوع بودن بر آن مترتیب می‌گردد.

همچنین در روش تجسس، چون در روایات جواز عناوین چون «عیون»، «عین»،

«نقباء»، «نقیب» آمده است، متبادر از این عناوین، روش متعارف جاسوس در جاسوسی، از قبیل: دیدن، پرس و جو کردن و... است؛ لذا این روش به عنوان مصداق اتم ادله جواز قرار دارد؛ اما روش غیر متعارف چون مشکوک است، عنوان اصالة الاحتیاط بر آن تطبیق می‌گردد.

#### ۴-۲-۴. ثمره نهایی

بدان جهت که عدم اشراف و مراقبت حکومت اسلامی از عملکرد کارگزاران نظام و نهادهای عمومی و دولتی، بی عدا لتی اجتماعی، هرج و مرج اجتماعی، فساد اداری و ظلم به رعیت را در پی دارد؛ براساس ادله عقلی و نقلی و نظریه مختار، ضرورت تجسس حکومت اسلامی از کارگزاران و نهادهای عمومی بوده و در راستای قلمرو این تجسس برپایه اصالة الاحتیاط در امور «عرض» بر مبنای کرامت انسان، نظریه «محدودیت تجسس» را برگزیدیم.

## کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی ربیع، شهاب الدین احمد بن محمد، سلوک الممالک فی تدبیر الممالک، فی مکتبة النور.

ابن فارس، معجم اللغة العربية، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

احمدی میانجی، علی، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴.

الازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، لبنان بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۴۲۱ ق.

بحرانی، محمد سند، سند العروة الوثقی - کتاب الطهاره - نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام.

الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، لبنان، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.

حلی، محقق، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، نرم

افزار فقه اهل بیت علیهم السلام.

الخمينی، روح‌الله الموسوی، تحریر الوسيله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۹ ش.

\_\_\_\_\_، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، بی تا.

الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مقدرات الفاظ القرآن، لبنان: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.

راوندی، قطب‌الدین، سعید بن عبد الله، فقه القرآن، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام ۲.

سروش، محمد، مبانی حریم خصوصی (بر اساس منابع انسانی) چاپ اول، قم: پژوهشگاه

حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق

و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳ ش.

سعادت، اسفندیار، مدیریت منابع انسانی، تهران: سمت، ۱۳۷۶ ش.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق. بی جا.

- الطبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ج ۸، قم، ناصر خسرو، ۱۳۸۴ ش.
- طیب، سید ابوالحسن، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه سیطین، ۱۳۸۶.
- العاملی، زین الدین بن علی، (الشهید الثانی)، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی، فی الکتبة الشیعه.
- العاملی، زین الدین بن علی، (الشهید الثانی)، رسایل الشهید الثانی، قم: مکتب الاعلام الاسلام، ۱۴۲۱ق. الشیخ الطوسی، محمد بن الحسن، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، قم: مؤسسه فرهنگی واطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت ۱۴۰۹ ق.
- فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، التحفة السنیة... بدون خصوصیات نشری.
- القیومی المقرئ، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، الطبعة الثانية، بیروت: المکتبة العصریه، ۱۴۱۸ ق.
- کاظمی، فاضل، جواد بن سعد اسدی، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام.
- الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، چاپ اول، تهران: المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، بی تا.
- مشکینی، میرزا علی اکبر، مصطلحات الفقهیة، قم: الهادی بی تا.
- مصباح یزدی، محمد تقی، حکیمانہ ترین حکومت، کاوشی در نظریه ولایت فقه، چ ۴، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی... امام خمینی ۱۳۹۴ ش.
- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیه ۱۳۹۸ ق.
- نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲ق.
- نوری، محمد علی ورضا نخجوانی، حقوق حمایت از داده ها، تهران: گنج دانش ۱۳۸۳ ش.

